

مجموعه کتاب‌های قورباغه

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت‌هاوس
انتشارات: موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان
گروه سنی: ۳ تا ۶ و ۷ تا ۹ سال

درباره‌ی این مجموعه و خالق آن

ماکس فلت‌هاوس نویسنده و تصویرگر برجسته‌ی هلندی از دهه‌ی ۶۰ میلادی کار خود را آغاز کرد. فلت‌هاوس در آثارش نشان می‌دهد که به خوبی کودکان، علاقه‌مندی‌ها، شک و تردیدها، ترس‌ها و هیجان‌های آنان را می‌شناسد. کتاب‌های او جواهرات کوچکی از تصویر و متن هستند که به کودکان اطمینان می‌دهند که می‌توانند در دنیاشان به ماجراجویی بپردازند و چیزهای تازه‌ای کشف کنند. درون‌مایه‌های آثار او سرشار از احساسات، قدرت دوستی و عشق، منحصر به فرد بودن، ارزش قابل‌توجه هر فرد و تفاوت‌های فردی و پیروزی زندگی بر مرگ است. فلت‌هاوس در سال ۲۰۰۴ برنده‌ی جایزه‌ی هانس کریستین آندرسن شد و در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ درگذشت.

مجموعه کتاب‌های قورباغه از شناخته‌شده‌ترین آثار فلت‌هاوس است. در این مجموعه، موضوع دوستی و ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی اهمیت بسیار دارند. در ماجراهای قورباغه و دوستان‌اش، فلت‌هاوس پیچیده‌ترین مفاهیم انسانی را با زبانی ساده بیان کرده است.

قورباغه موجودی ساده، سبزرنگ اما پراحساس است. دهان او ممکن است تنها یک خط باشد، اما این یک خط هر لرزش احساسی را به خوبی نشان می‌دهد. قورباغه با وجود آن که شلوار بامزه‌ای بر تن دارد، خودباوری زیادی دارد و احترام بسیاری برای خودش قائل است. او شخصیتی پذیرنده و در عین حال پر از کنجکاوی است، هم متفکر و هم غیرمتعصب است. گرچه اشتباه می‌کند، اما با معصومیت و صداقت عاطفی‌اش، در نهایت بهترین جنبه‌های وجودش را بروز می‌دهد. فلت‌هاوس هرگز انکار نمی‌کند که زندگی و دوران کودکی با ترس، غم و اندوه و پتانسیل برای نفرت و خشونت همراه است و می‌تواند مملو از خطر باشد. قورباغه یک ابرقهرمان نیست!

اما ارزش پیام او این است که به کودکان نشان می‌دهد که آن‌ها هم با شجاعت و دوستی می‌توانند خود را از تاریکی به نور برسانند.

جانواران این مجموعه، اجتماع کوچکی را تشکیل می‌دهند. با وجودی که این شخصیت‌ها کاملاً با یکدیگر فرق دارند اما تقریباً همگی هم‌اندازه‌اند که نمادی از برابری آن‌هاست. اگرچه برخی از آن‌ها مانند خرگوش صحرایی عاقل‌ترند و گاه نقشی پدرا نه دارند، اما فلت‌هاوس رابطه‌ی بین جانوران را به شکل روابط خانوادگی - یا هر نوع رابطه‌ی سلسله‌مراتبی - مطرح نمی‌کند. بیش‌تر داستان‌ها و ماجراهای این مجموعه پیرامون دوستی و ارتباط شکل می‌گیرند و نشان می‌دهند که چگونه یک اجتماع مبتنی بر برابری، احترام متقابل و مشارکت می‌تواند با انواع رویدادهای غیرمنتظره، خنده‌دار، اسرارآمیز، ترسناک، غم‌انگیز یا گیج‌کننده روبه‌رو شود. در این داستان‌ها میز ناهارخوری اغلب یک نقطه‌ی کانونی مهم و فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر است.

انتشارات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان از مجموعه کتاب‌های قورباغه، پنج کتاب زیر را منتشر کرده است:

- قورباغه می‌ترسد
- قورباغه و آواز پرنده
- قورباغه و غریبه
- قورباغه دوست پیدا می‌کند
- قورباغه و گنج

فعالیت‌های در پیوند با بلندخوانی مجموعه کتاب‌های قورباغه

گفت‌وگوهای موضوعی پس از بلندخوانی

یکی از درون‌مایه‌های مهم مجموعه کتاب‌های قورباغه «ارزش‌های زندگی» است. این کتاب‌ها فرصت مناسبی فراهم می‌کنند تا گفت‌وگوهایی را با محور ارزش‌های زندگی با کودکان ترتیب دهید. برای گفت‌وگوهای موضوعی لازم است از پیش بدانید که درباره‌ی چه و چگونه قرار است با کودکان گفت‌وگو کنید. در این دست‌نامه نمونه پرسش‌هایی برای گفت‌وگو پیشنهاد شده است. توجه کنید که هدف از گفت‌وگوی پس از بلندخوانی این نیست که کودکان به این پرسش‌ها پاسخ دهند.



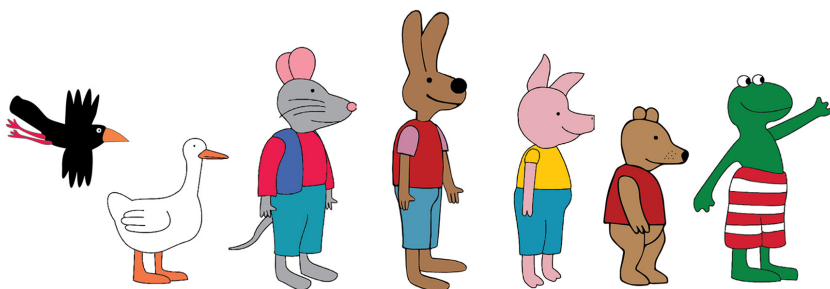
هدف این است که کودکان به بیان دیدگاه‌های خود بپردازند و درباره‌ی آن بحث کنند. دیدگاه‌هایی که ممکن است با یک‌دیگر و گاه حتا با دیدگاه‌های شما متضاد باشد. هرگز نظر و نتیجه‌گیری‌های قطعی خود را به کودکان تحمیل نکنید. پند و اندرز اخلاقی ندهید و اجازه دهید کودکان برداشت‌های خود را از کتاب و گفت‌وگوها داشته باشند. همچنین لازم نیست که همه‌ی پرسش‌ها و گفت‌وگوها را در یک نشست با کودکان مطرح کنید. گفت‌وگوها بسته به حوصله، سن و علاقه‌ی کودکان انجام می‌شوند.

شخصیت‌های داستان را بشناسیم!

هدف: شناخت شخصیت‌های داستان، درک غیرمستقیم شخصیت‌پردازی به عنوان یکی از عناصر ادبی

در پیوست این دستنامه تصویر تمام شخصیت‌های کتاب‌ها (دو عدد قورباغه در دو حالت مختلف، خرگوش صحرایی، خوک، اردک، موش صحرایی، خرس کوچولو و توکا) آمده است. با کمک کودکان دور آن‌ها را ببرید و چوب کوچکی به پشت هر کدام نصب کنید.

پس از خواندن هر داستان می‌توانید درباره‌ی شخصیت‌های آن با کودکان گفت‌وگو کنید.



از کودکان درباره‌ی ویژگی‌های ظاهری و شخصیتی آن‌ها بپرسید. برای نمونه از کودکان بپرسید:

قورباغه چه شکلی است؟ چه رنگی است؟ شلوارش چه رنگی است؟ او چه جور قورباغه‌ای است؟ ترسو است یا شجاع؟ از کجا فهمیدید؟ آیا قورباغه مهربان است؟ از کجا فهمیدید؟...

برای هر کدام از شخصیت‌ها می‌توانید چنین گفت‌وگوهایی را انجام دهید. سعی کنید توجه کودکان را غیرمستقیم به نشانه‌هایی در کنش و حرف‌های قورباغه و دوستانش جلب کنید که ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها را نشان می‌دهند. توجه کنید که هیچ‌گاه به طور مستقیم خودتان ویژگی‌های هر کدام را شرح ندهید و اجازه دهید کودکان هنگام گفت‌وگو با یک‌دیگر و بازگشت به کتاب، شخصیت‌پردازی را درک کنند. (شخصیت توکا، پرنده‌ی سیاه، کنش‌های کمی در داستان دارد، اما در تمام داستان‌ها در تصاویر حضوری معنادار دارد).

سپس می‌توانید صحنه‌ی نمایش کوچکی ترتیب دهید تا کودکان با این شخصیت‌های عروسکی کاغذی، نمایش کتاب‌ها را اجرا کنند. یا آن‌که می‌توانید با کمک کودکان داستان‌های دیگری برای این شخصیت‌ها بسازید و اجرا کنید.

عروسک دستکشی شخصیت‌های کتاب

می‌توانید مانند تصویر زیر عروسک‌های دستکشی ساده‌ی شخصیت‌های کتاب را با کمک کودکان بسازید و نمایش آن را اجرا کنید.



قورباغه می ترسد

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت هاوس

مترجم: سارا یوسف پور

خلاصه داستان: یک شب قورباغه از ترس خواباش نمی برد. او فکر می کند که اشباح و هیولاها همه جا هستند. بنابراین از ترس از خانه فرار می کند و نزد اردک می رود، اما او و اردک هم پس از مدتی وحشت می کنند و به خانه ی خوک می گریزند. آن سه، تا صبح در کنار هم تلاش می کنند با ترس های شان بجنگند و یک دیگر را آرام کنند و در نهایت خوابشان می برد. صبح روز بعد خرگوش صحرایی به سراغ قورباغه می رود اما او را در خانه اش پیدا نمی کند. اردک هم در خانه اش نیست. خرگوش صحرایی نگران می شود و می ترسد که نکند برای دوستان اش اتفاقی افتاده باشد. اما سرانجام آن ها را در خانه ی خوک پیدا می کند. در گفت و گوی هنگام صبحانه، دوستان به این نتیجه می رسند که هر کس از چیزی می ترسد...

توضیحات بیش تر: این داستان به زبان ساده به مساله ی ترس می پردازد. قورباغه از اشباح و هیولاهای خیالی، که از نظر او کاملاً واقعی هستند، می ترسد. هر یک از دوستان او هم در ابتدا می گویند که به این چیزها باور ندارند و از آن نمی ترسند، اما این ترس به آن ها هم سرایت می کند. در پایان داستان، کودک به طور غیرمستقیم به همراه شخصیت های داستان درمی یابد که هر کس از چیزی می ترسد و ترس های گوناگونی وجود دارد، ترس از تاریکی، ترس از تنها شدن یا ترس از دست دادن کسانی که دوست شان داریم... اما اگر در کنار هم باشیم و ترس همان را بپذیریم راحت تر می توانیم بر آن ها چیره شویم.

ترس در کودکان

معمولاً کودکان از چیزهایی می ترسند که بزرگ سالان از آن ها ترسی ندارند. برای چند دقیقه به دوران کودکی خود برگردید، به زمانی که سایه ی برگ های درختان در شب، موجب ترس شما می شد. در آن لحظه چه احساسی داشتید؟ احساسات، اندیشه ها و تصورات کودکان برای آن ها کاملاً واقعی است. اگر پدر و



مادر بپذیرند که ترس و دلهره بخشی طبیعی از زندگی کودک است و در برابر تنش‌ها و اضطراب‌های فرزندشان ملایم و شکیبا باشند، بهترین کمک را به او در روبه‌رو شدن با ترس‌اش کرده‌اند. به این ترتیب کودک احساس خواهد کرد که هر اندازه هم پریشان و آشفته باشد، باز هم پدر و مادر آرامش خود را از دست نخواهند داد و می‌توانند با حضور خود از او پشتیبانی کنند.

فراموش نکنیم ترس، دو کاربرد مهم برای فرد دارد. نخست آن که باعث تمرکز فکری او می‌شود و دوم انرژی لازم برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های ناشناخته را در او ایجاد می‌کند.

با گفتن این جمله‌ی همیشگی که: «نترس، شجاع باش، دیگر بزرگ شده‌ای و نباید بترسی...»، مشکل کودک برطرف نمی‌شود. با این کار تنها مشکل او نادیده گرفته می‌شود.

پذیرفتن و درک احساس ترس کودک و طبیعی شمردن آن به کودک کمک می‌کند تا خود را ضعیف نداند و اعتماد به نفس خود را از دست ندهد. ترس کودک چه درست و بجا باشد و چه نادرست، باید وجود آن را پذیرفت، چرا که ما بزرگ‌ترها هم ترس‌های زیاد و گاه نابجایی داریم.

پدر و مادر می‌توانند با پذیرش ترس کودک، به او این فرصت را بدهند که آن را ببیند و بپذیرد و شهادت روبه‌رو شدن با ترس را پیدا کند. پدر و مادر با پشتیبانی از کودک و اطمینان دادن به او می‌توانند زمینه‌ی رویارویی با ترس را در کودک فراهم کنند. هیچ‌گاه کودک را برای ترس‌اش مسخره نکنید و به او نگویند که ترسو است. با این کار کودک اعتماد به نفس خود را نیز از دست می‌دهد. هر چه کودک به شما اعتماد کند و ترس خود را راحت‌تر بروز دهد، بهتر می‌تواند با آن مقابله کند. بگذارید در مورد آن چه سبب ترس او می‌شود با شما صحبت کند تا شیوه‌های روبه‌رو شدن با ترس را فرا گیرد.

هنگامی که کودک حادثه‌ای را برای شما تعریف می‌کند، به احساسات او درباره‌ی آن رویداد بیش‌تر از آن‌چه اتفاق افتاده توجه کنید. ترس‌های کودک را تایید کنید ولی در آن مشارکت نکنید. برای نمونه اگر از چیزی ترسناک زیر تخت‌اش می‌ترسد به او بگویید: «می‌دانم از آن چیز زیر تخت ترسیده‌ای ولی بیا با هم نگاه کنیم تا مطمئن



شوی آن‌جا نیست.» به او نگوید چنین چیزی وجود ندارد، بلکه او را مطمئن کنید که آن‌جا نیست.

هنگامی که کودک‌تان ترسیده است، بنشینید و او را در آغوش بگیرید و با تماس فیزیکی به او آرامش دهید.

اگر کودک مایل به گفت‌وگو درباره‌ی ترس‌اش نبود، او را وادار به این کار نکنید، اما به او بفهمانید که متوجه ترس او شده‌اید و هر وقت دوست داشته باشد، می‌تواند درباره‌ی آن صحبت کند. این نکته را به یاد داشته باشید که همه‌ی ما، چه کودک و چه بزرگ‌سال، در کنار یک‌دیگر و با سخن گفتن از ترس‌ها و نگرانی‌ها مان بهتر و راحت‌تر می‌توانیم بر آن‌ها غلبه کنیم یا با آن‌ها کنار بیاییم. قورباغه و دوستان‌اش هم همین کار را می‌کنند. هر بار که آن‌ها از چیزی می‌ترسند، با رفتن به خانه‌ی یک دوست دیگر و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌چه دیده‌اند یا شنیده‌اند تلاش می‌کنند یک‌دیگر را آرام کنند.

همانندسازی نیز کمک می‌کند تا کودک بر ترس‌های خود غلبه کند. هنگامی که کودک می‌بیند کودک دیگری بر ترس‌های‌اش غلبه کرده این احساس را پیدا می‌کند که او هم می‌تواند. این شخصیت‌ها می‌توانند در دنیای واقعی یا در فیلم و کتاب وجود داشته باشند. به این ترتیب درمی‌یابیم که برگزیدن فیلم یا کتاب درست چه اندازه بااهمیت است، زیرا کودک با بسیاری از شخصیت‌های فیلم یا کتاب همانندسازی می‌کند. کودک می‌تواند با همانندسازی خود با قورباغه و دوستان‌اش در ترس‌های آن‌ها شریک شود و با همراهی آن‌ها راهی برای چیرگی بر آن بیابد. هدف این نیست به این نتیجه برسیم که چیزی ترسناک نیست، بلکه قرار است همه با هم بپذیریم چیزهایی هستند که ممکن است از آن‌ها بترسیم و همیشه، کسانی یا چیزهای دیگری هستند که ما هنگام ترس می‌توانیم از آن‌ها کمک بگیریم تا بتوانیم با ترس‌مان روبه‌رو شویم.

برگزیدن فیلم‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و کتاب‌های پر از خشونت، کودک را پرخاش‌جو و عصبی و ترس‌های‌اش را تشدید خواهد کرد. به یاد داشته باشیم کودکان از افراد پیرامون خود نیز می‌آموزند و ترس‌های اطرافیان کودک هم بر او و ترس‌های‌اش تاثیرگذار است.

فعالیت‌های پیش از خواندن

بازی با سایه‌ها

هدف: بالا بردن دانش کودک، مقدمه‌ی مواجه شدن با مساله

آن‌چه نیاز دارید: چراغ قوه، مقوا

روی یک تکه مقوا، شکل‌های هندسی گوناگونی (دایره، سه‌گوش، چهارگوش و ...) را رسم کنید و دور آن‌ها را ببرید. کودکان را به کلاس یا اتاقی ببرید که بتوانید فضای آن را تاریک کنید. چراغ‌قوه‌ی پرنوری را روی یک میز رو به دیوار قرار دهید. اشکال هندسی را یک به یک جلو چراغ‌قوه نگه دارید و توجه کودکان را به سایه‌ی روی دیوار جلب کنید. با جلو و عقب بردن شکل مقوایی اندازه‌ی سایه‌ی روی دیوار را تغییر دهید. هدف این فعالیت آگاه کردن کودکان از تفاوت سایه‌های ایجادشده از اجسام با خود اجسام است تا به این درک برسند که سایه‌هایی که می‌بینند ممکن است با شیء واقعی که آن سایه را ایجاد کرده، متفاوت باشد. برای مثال یک سایه‌ی خیلی بزرگ لزوماً به معنای وجود شیئی به همان اندازه نیست. با استفاده از الگوهای تصویر صفحه‌ی روبه‌رو سایه‌های جانوران را روی دیوار بسازید. بهتر است پیش از انجام این فعالیت با کودکان، آن‌ها را چند بار تمرین کنید تا بتوانید راحت‌تر و بهتر برای کودکان اجرا کنید. هنگام انجام فعالیت برای کودکان بر امکان تفاوت سایه‌ها و شیء تولیدکننده‌ی سایه تاکید کنید.

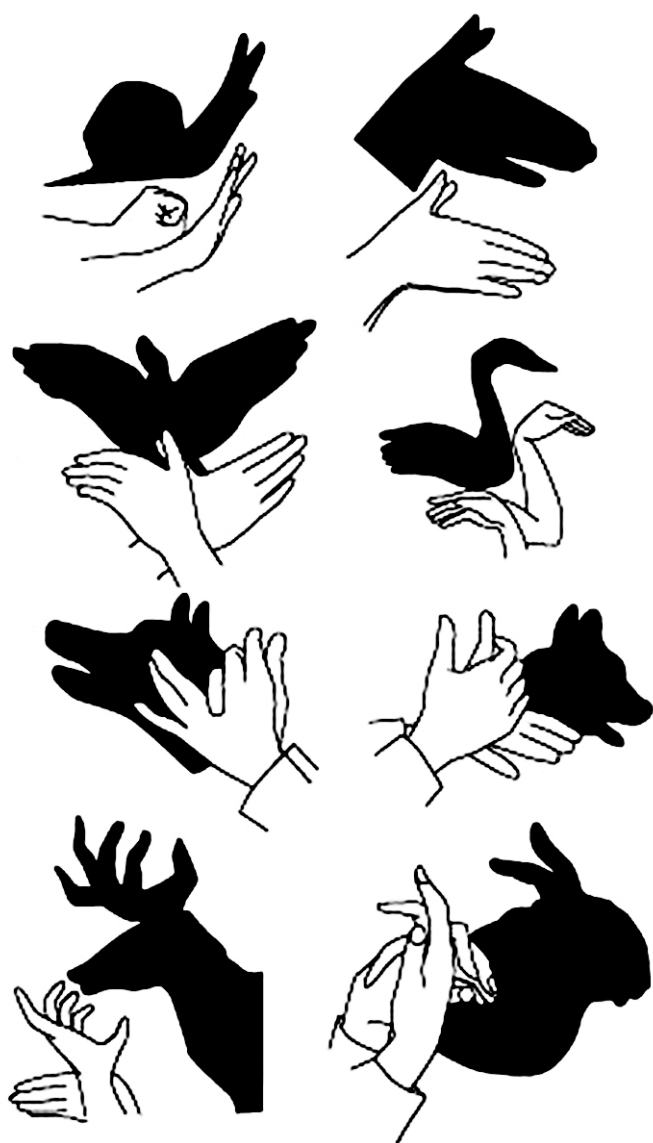
فعالیت‌های پس از خواندن

گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

از کودکان بپرسید:

- قورباغه چه مشکلی داشت؟ چرا خواب‌اش نمی‌برد؟ چه صدایی می‌شنید؟
- قورباغه از چه چیزی می‌ترسید؟
- آیا اردک توانست قورباغه را آرام کند؟ خوک چگونه؟
- قورباغه و اردک و خوک برای این‌که نترسند چه کارهایی انجام دادند؟





- صبح روز بعد خرگوش صحرایی از چه ترسید؟ چرا نگران شد؟
- آیا قورباغه اشباح و هیولاها را دیده بود؟
- به نظر شما اگر بار دیگر شب‌هنگام، قورباغه و دوستان‌اش بترسند، چه باید بکنند؟
- اگر شما جای قورباغه و دوستان‌اش بودید، چه می‌کردید؟
- به نظر شما قورباغه و دوستان‌اش شجاع هستند یا ترسو؟
- آیا کسی که شجاع است اصلاً نمی‌ترسد؟

ترسناک‌ها

هدف: بالا بردن اعتماد به نفس، گفت‌وگو درباره‌ی تجربه‌ها
آن‌چه نیاز دارید: مقوای A4، کاغذهای رنگی، تکه‌های پارچه، ماژیک، چسب و ...

به هر یک از کودکان یک مقوا بدهید و از آن‌ها بخواهید روی مقوا تصویری از چیزی که از آن می‌ترسند بکشند. اگر کودکان از چیزی نمی‌ترسیدند به آن‌ها بگویید اگر خواهر، برادر یا دوستی دارند که از چیزی می‌ترسد، تصویر آن را بکشند. می‌توانید برای ایجاد گوناگونی در تصویرها خودتان پیشنهادهایی به کودکان بدهید: حشرات، رعد و برق، آمپول و دکتر، تاریکی، سایه و ... مواردی هستند که گاهی کودکان از آن‌ها واهمه دارند. برای دادن این پیشنهاده‌ها به کودکان می‌توانید از این جمله استفاده کنید:

«من دوستی داشتم که از می‌ترسید.»

از کودکان بخواهید با کاغذ و پارچه‌های رنگی نقاشی‌های‌شان را تزئین کنند. هنگام کار با کودکان درباره‌ی روش‌های رویارویی با ترس‌هاشان سخن بگویید و از آن‌ها بخواهید اگر تجربه‌ای در این موارد دارند با کلاس بازگو کنند؛ آن‌چه رخ داده که باعث شده از چیزی بترسند و تلاش‌هایی که کرده‌اند تا بتوانند بر ترس‌شان چیره شوند. همواره به نکاتی که در ابتدای این بخش درباره‌ی ترس کودکان به آن‌ها اشاره شد توجه داشته باشید و فضای اعتماد و راحتی را در کلاس به وجود آورید.



ساخت پازل تصویری

در پیوست این دستنامه نوارهای کاغذی وجود دارند که تکه‌هایی از دو تصویر زیر بر پشت و روی آن‌ها چاپ شده‌اند. این نوارها را از محل‌های خط‌چین ببرید. به این ترتیب دو پازل تصویری خواهید داشت و کودکان می‌توانند با کنار هم قرار دادن قطعه‌های آن‌ها هر یک از این دو تصویر را کامل کنند. هر روی این تکه‌ها مربوط به یک تصویر است، به عبارت دیگر کودکان می‌توانند با تصاویر پشت کارت‌ها پازل دوم را درست کنند. روی تیره‌تر کارت‌ها مربوط به پازل شب و فرار قوریابه و اردک از میان جنگل و روی روشن‌تر کارت‌ها مربوط به پازل صبح روز بعد و میز صبحانه است. پس از ساختن هر پازل می‌توانید با کودکان درباره‌ی اتفاقی که در تصویر در حال روی دادن است گفت‌وگو کنید. از آن‌ها بخواهید که بار دیگر داستان تصویر را شرح دهند یا درباره‌ی رنگ‌های هر کدام صحبت کنند. از آن‌ها بخواهید که بگویند که چه صداهایی در تصویر می‌شنوند...



قورباغه و آواز پرنده

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت هاوس

مترجم: شبنم عیوضی

خلاصه‌ی داستان: هنگامی که قورباغه پرنده را بی حرکت می یابد، آن را به جانوران دیگر نشان می دهد. جانوران داستان نمی دانند چه اتفاقی افتاده و از زبان خرگوش صحرایی می فهمند که او مرده و باید او را به خاک بسپارند. خرگوش صحرایی از آوازهای زیبایی که پرنده در طول عمرش خوانده بود یاد می کند. داستان با مرگ یک پرنده آغاز می شود و با آواز پرنده ای دیگر و بازی و شادی جانوران پایان می یابد.

توضیحات پیش تر: مرگ غم انگیز است و دشوار می شود درباره ی آن با کودکان سخن گفت. اما مرگ یک رخداد طبیعی است و خواه ناخواه بچه ها مانند هر انسان دیگری روزی با مرگ دیگران روبه رو می شوند. کتاب قورباغه و آواز پرنده تلاش کرده، با نشان دادن تلخی مرگ و زیبایی زندگی در کنار هم، کودکان را با مفهوم زندگی آشنا کند. دیدن مرگ و زندگی در کنار هم نگاهی است طبیعی و پذیرنده به واقعیات زندگی که کودکان را با واقعیات آشنا و آن ها را برای پذیرفتن رخدادهای طبیعی آماده می کند.

شخصیت توکا، این پرنده ی سیاه کوچک، در تصاویر همه ی کتاب های مجموعه ی قورباغه حضوری نمادین و غیرمستقیم دارد. در بیش تر تصویرهای این کتاب ها یک یا چند توکا دیده می شوند. در حقیقت حضور توکا، نماد زندگی است و آواز او، آواز زندگی است که هر لحظه جاری است.

هنگامی که کتاب های دیگر این مجموعه را می خوانید از کودکان بخواهید که در تصویرها جست و جو کنند و بگویند توکا یا توکاها کجا هستند؟ می توانید در پایان این کتاب از کودکان بخواهید که چشم های خود را ببندند و آوای توکا را تصور کنند و به آن گوش فرا دهند.



گفت‌وگو با کودکان درباره‌ی مرگ

معمولا ما با کودکان درباره‌ی مرگ گفت‌وگو نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم با این روش از آن‌ها در برابر افکار ناخوشایند حفاظت می‌کنیم. اما واقعیت این است که کودکان در قصه‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، خبرها و حتا با دیدن پرنده‌ای که در راه افتاده و مرده است، با مرگ روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها ممکن است مرگ نزدیکان‌شان را تجربه کنند. کودکان به این موضوع فکر می‌کنند، هرچند ممکن است در این مورد با ما سخن نگویند یا شاید این ما هستیم که نمی‌خواهیم در مورد آن با کودکان گفت‌وگو کنیم. بسیار طبیعی است که کودکان درباره‌ی مرگ کنجکاو باشند و بخواهند بیش‌تر بدانند.

کودک باید بداند که مرگ یک پدیده‌ی طبیعی است. خوب است گفت‌وگو با کودک در این باره را این گونه آغاز کنیم: «من فکر می‌کنم مرگ...»، یا «من اعتقاد دارم که مرگ... و بعضی‌ها هم اعتقاد دیگری دارند». به این ترتیب کودک خواهد فهمید که بزرگ‌سالان همه چیز را نمی‌دانند و این تنها دیدگاه شماست که با او در میان گذاشته می‌شود.

چگونه با کودکی که عزیزی را از دست داده گفت‌وگو کنیم:

هیچ‌کس نمی‌تواند به آسانی با مرگ عزیزان خود کنار بیاید. کودکان سخت‌تر با این غم کنار می‌آیند. واکنش‌هایی که کودکان مختلف نسبت به مرگ افراد نشان می‌دهند بسیار متفاوت است. آن‌ها ممکن است خشمگین شوند یا در زمان‌ها و موقعیت‌های خاص واکنش نشان دهند، ممکن است در بازی‌های‌شان بتوان ردپایی از احساس‌شان پیدا کرد یا این که هیچ واکنشی نشان ندهند. به کودک بگویید که ما حق داریم غمگین یا خشمگین باشیم، سوگواری کنیم چون چیزهایی در زندگی هست که ارزش گریه کردن و اندوه را دارد.

به یاد داشته باشید که کودکان کم‌کم با یک موضوع ناراحت‌کننده مانند مرگ کنار می‌آیند. اما گاهی ماه‌ها یا سال‌ها طول می‌کشد تا مرگ کسی را بپذیرند و با آن کنار بیایند.

برای توضیح مرگ عزیزان به کار بردن جمله‌هایی مانند «پدربزرگ برای همیشه خوابیده»، «عمو به سفر طولانی رفته» یا «مادربزرگ از پیش ما رفته»، در کودک

بیش‌تر از درک واقعیت، ایجاد ترس و ابهام می‌کند و ممکن است سبب بهانه‌جویی در کودک شود.

برای نمونه ممکن است پدر کودک به سفر رود و کودک پیوسته بی‌قراری کند، چون فکر می‌کند پدر هم مانند عمو به سفر رفته و دیگر باز نمی‌گردد. یا وقتی خاله‌ی عزیز کودک می‌خواهد به خانه‌ی خودش برود، کودک می‌ترسد که مبادا او هم مانند مادر بزرگ‌اش برود و دیگر برنگردد. یا حتی ممکن است کودک هنگام خواب بهانه بگیرد و بگوید که نمی‌خواهد بخوابد چون پدر بزرگ‌اش برای همیشه خوابیده و دیگر بیدار نشده است.

کودکان نمی‌توانند حجم زیادی از اطلاعات را درک کنند. کودکان هنوز درک واقع‌بینانه‌ای از مرگ ندارند، به همین دلیل بهتر است به آن‌ها با جمله‌های ساده و کوتاه و دقیق توضیح دهید و از واژه‌های مشخص استفاده کنید. برای نمونه بگویید: «کسی که مرده مانند این است که خوابیده ولی او خواب نیست، دیگر نفس نمی‌کشد و قلب‌اش کار نمی‌کند.» با عقاید مذهبی کودکان مخالفت نکنید، سعی کنید عقاید مذهبی کودک را با آگاهی علمی و عاطفی کامل کنید. توضیحات زیر می‌تواند بسته به سن کودک مفید باشد:

«زنده یعنی چه؟ مردن یعنی چه؟»

«هر موجود زنده‌ای زمانی زندگی را آغاز می‌کند، مدتی زنده می‌ماند و در نهایت زندگی او پایان می‌یابد، یعنی می‌میرد. در طول زندگی بدن تو کارهای گوناگونی می‌کند. تو نفس می‌کشی، حرکت می‌کنی، می‌خوری، نگاه می‌کنی، می‌شنوی، لمس می‌کنی، می‌چشی، بو می‌کنی، رشد می‌کنی، حرف می‌زنی، بازی می‌کنی، فکر می‌کنی و احساس می‌کنی. آفرین! این یعنی تو زنده‌ای و بخشی از این جهان هستی!»

مرگ نیز بخشی از زندگی هر موجود زنده‌ای است و به دلیل‌های مختلفی پیش می‌آید. بعضی شاید مدت طولانی بیمار باشند و مرگ‌شان غیرمنتظره نباشد. اما بعضی ممکن است خیلی غیرمنتظره و ناگهانی یا در اثر تصادف بمیرند. بعضی‌ها هم در اثر جنگ و خشونت می‌میرند. بعضی‌ها خیلی زیاد عمر می‌کنند و بعضی‌ها ممکن است زودتر بمیرند. اما بیش‌تر ما سالم هستیم و عمر طولانی داریم و سال‌های زیادی زندگی می‌کنیم و پیر می‌شویم!



وقتی کسی می‌میرد، بدن‌اش از کار می‌افتد، قلب‌اش دیگر نمی‌زند و نفس نمی‌کشد. مغزش دیگر پیام نمی‌گیرد و نمی‌فرستد. نمی‌بیند و نمی‌شوند و نمی‌تواند لمس کند و بو و مزه را احساس کند. غذا نمی‌خورد. نمی‌تواند دیگر فکر کند، بازی کند، نمی‌تواند حرکت کند و بدن‌اش سرد می‌شود...»

اجازه دهید کودک پرسش‌های خود را مطرح کند، حتا اگر این پرسش‌ها تکراری باشد با شکیبایی به او پاسخ دهید و فکر نکنید پاسخ شما کافی نبوده است. این عادت کودکان است که یک سوال را بارها بپرسند. هنگامی که پرسش‌ها جواب‌های ساده‌ای نداشته باشند، نشان دهید که نمی‌خواهید دیدگاه خود را به کودک تحمیل کنید بلکه می‌خواهید به حل مشترک مساله و پرسش بپردازید. در جواب پرسش‌هایی که نمی‌توانید به آن‌ها پاسخ دهید، بگویید «نمی‌دانم».

گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

پس از خواندن کتاب و انتقال حس شادی و بازی پایان داستان به کودک، فرصت خوبی است تا درباره‌ی موضوع مرگ با کودک گفت‌وگو کنید. از او نخواهید که از مرگ نترسد. به او اجازه دهید آزادانه صحبت یا پرسش کند.

از کودکان بپرسید:

- قورباغه و دوستان‌اش از مرگ توکا چه حسی داشتند؟
- آیا این‌که قورباغه و دوستان‌یش در پایان داستان دوباره شروع به بازی و شادی کردند، کار خوبی بود یا کار بدی؟ آیا آن‌ها توکا را فراموش کردند؟
- می‌توانید از کودکان بپرسید که آیا تا به حال حیوان خانگی داشته‌اند که مرده باشد؟ چه کرده‌اند؟ چه حسی داشتند؟

قضاوت و نتیجه‌گیری نکنید. تنها اجازه دهید کودکان دیدگاه‌های خود را بیان کنند. اگر در جمع کودکان، کودکی هست که کسی از نزدیکان‌اش را از دست داده است، هنگام طرح گفت‌وگو شرایط او را در نظر داشته باشید. غیرمستقیم فضایی را فراهم کنید تا اگر مایل بود، درباره‌ی احساس‌اش سخن بگوید. اما هرگز او را وادار به بیان احساسات و حرف زدن در این باره نکنید.



می‌توانید به کودکان توضیح دهید که وقتی کسی می‌میرد، ما غمگین می‌شویم و دل‌مان برای‌اش تنگ می‌شود. ما حق داریم ناراحت یا خشمگین باشیم، سوگواری کنیم یا برای کسی که از دست داده‌ایم گریه کنیم. حتا ممکن است در ابتدا نتوانیم باور کنیم که دیگر او را نخواهیم دید.

وقتی کسی می‌میرد اگر پس از مدتی سعی کنیم دوباره شاد باشیم یا بازی کنیم، کار بدی نکرده‌ایم. ممکن است پس از چندی سرگرم یاد گرفتن چیزهای تازه و تفریح کردن بشویم یا دوست جدید پیدا کنیم. این کارها به این معنی نیست که کسی را که دوست داشتیم از یاد برده‌ایم. می‌توانیم در کنار دیگر کسانی باشیم که دوست‌شان داریم.

می‌توانید برای کودکان به زبان ساده توضیح دهید که اگر کسی که خیلی دوست‌اش داریم بمیرد، ما او را کاملاً از دست نداده‌ایم. خاطراتی که از او داریم همیشه با ماست، در درون ما و بخشی از وجود ماست. می‌توانیم کارهای زیادی انجام دهیم که یاد او را زنده نگه داریم:

- دفترچه‌ای به یاد کسی که از دست داده‌ایم درست کنیم
- خاطراتی که با او داریم را تعریف کنیم
- درباره‌ی کارهای خنده‌داری که با هم انجام دادیم صحبت کنیم
- به عکس‌های‌اش نگاه کنیم
- برای‌اش شعری بنویسیم
- سر مزارش برویم
- نقاشی او را بکشیم
- با کسی دوست شویم که ما را یاد او بی‌اندازد
- به یادش درختی بکاریم
- روز تولدش را جشن بگیریم

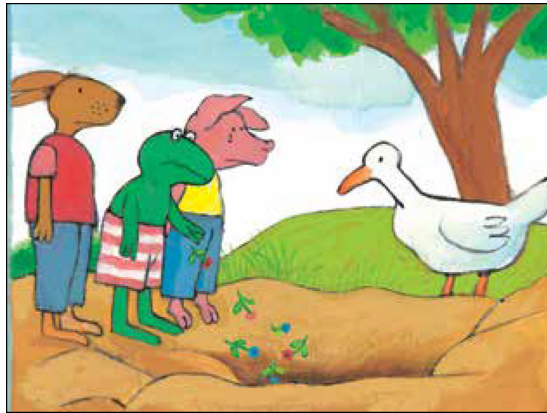
چند مورد را شما مثال بزنید و از کودکان بخواهید کارهای دیگری را که به ذهن‌شان می‌رسد بیان کنند.



توالی رویدادهای داستان و معمای شیء حذف شده!

هدف: شناخت غیرمستقیم پیرنگ و عناصر داستان، درک مفهوم توالی، تصویرخوانی، رشد دقت و توجه و تقویت حافظه

دو نوار پیوست مربوط به این کتاب را برداشته و کارتها را ببرید. هر کدام از این کارتها یک فریم از داستان را نشان می‌دهند. در هر فریم چیزی حذف شده، آن چیز می‌تواند یک شخصیت یا یک شیء باشد. از کودکان بخواهید هم رویدادهای کارتها را بر اساس توالی تصویری که در ذهن‌شان است مرتب کنند و هم حدس بزنند چه چیزی در هر تصویر جا افتاده یا حذف شده است. شیء یا شخصیت حذف شده را می‌توانند در پشت یکی از کارتها پیدا کنند.



قورباغه و غریبه

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت‌هاوس

مترجم: شبنم عیوضی

خلاصه‌ی داستان: روزی غریبه‌ای به جنگل می‌آید و چادرش را در آن‌جا برپا می‌کند. این غریبه، یک موش صحرایی است. به نظر قورباغه او رفتار جالب و دوستانه‌ای دارد. اما خوک از او خوش‌اش نمی‌آید و معتقد است که او باید برود چون اهل آن‌جا نیست. قورباغه به تدریج با موش صحرایی دوست می‌شود و درمی‌یابد که او موجودی دانا، توان‌مند، ماجراجو و در عین حال مهربان و یاری‌گر است. موش صحرایی برای قورباغه ماجراهای شگفت‌انگیز سفرهای‌اش را تعریف می‌کند. پس از آن‌که موش صحرایی با توانایی و شجاعت جان خوک و خرگوش را نجات می‌دهد و به جانوران کمک می‌کند، همه در می‌یابند که او چه دوست خوبی است. همه‌ی جانوران دوست دارند که موش صحرایی نزدشان بماند، اما او بار دیگر به سفر می‌رود.

توضیحات بیش‌تر: این کتاب به طور غیرمستقیم به موضوع تعصب‌های نژادی و قومی و نیز اهمیت پذیرش تفاوت‌ها و هم‌زیستی می‌پردازد. خوک و تا حدودی اردک، با تعصب و پیش‌داوری در مورد غریبه‌ای که نمی‌شناسند قضاوت می‌کنند. اما قورباغه بدون قید و شرط از تازه‌وارد استقبال می‌کند و با شخصیت پذیرا، کنج‌کاو و مهربان‌اش به دوستان‌اش کمک می‌کند تا دریابند که موش صحرایی تنها چون غریبه و متفاوت است موجود بدی نیست و بلکه می‌تواند دوست بسیار خوبی هم باشد.

کتاب قورباغه و غریبه کتاب مناسبی است که از طریق آن به طور غیرمستقیم، مفاهیمی مانند مهاجرت، حق انتخاب محل زندگی، پناهندگی، پذیرش فرهنگ‌های مختلف، پرهیز از پیش‌داوری‌های متعصبانه، پذیرش و درک تفاوت‌ها و دیگربودگی را با کودکان مطرح کنیم. اگر در کلاس شما کودکان پناهنده یا مهاجر حضور دارند، این کتاب می‌تواند مبنای خوبی برای گفت‌وگو باشد.



گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

با کودکان درباره‌ی موارد زیر گفت‌وگو کنید:

- چرا خوک در ابتدا از موش صحرایی خوش‌اش نمی‌آمد؟ خوک از کجا فکر می‌کرد که موش صحرایی کثیف یا دزد یا تنبل است؟ آیا حق با خوک بود؟
- آیا موش صحرایی کاربدي کرده بود که نزدیک محل زندگی قورباغه و دوستان‌اش چادر زده بود؟ آیا موش صحرایی مزاحم آن‌ها شده بود؟
- چرا خوک فکر می‌کرد موش صحرایی با آن‌ها فرق دارد؟
- آیا خوک و قورباغه با هم فرق نداشتند؟ قورباغه و اردک چطور؟
- آیا تا به حال شده کسی در همسایگی شما غریبه باشد یا از جای دیگری آمده باشد؟
- فکر می‌کنید اگر کسی در سرزمین یا شهر و روستای شما به دنیا نیامده باشد، یا از جای دیگری آمده باشد نمی‌تواند دوست خوبی باشد؟
- از کودکان بپرسید آیا می‌دانند «اهل جایی بودن» یعنی چه؟
- چطور آدم می‌تواند اهل جایی باشد؟ یا اهل جایی بشود؟

می‌توانید ابتدا به شکل یک تجربه این موضوع را مطرح کنید، مثلاً بگویید من دوستی دارم که پدر و مادرش اهل آذربایجان هستند، اما خودش در زاهدان به دنیا آمده و در آن‌جا زندگی می‌کند، به نظر شما او اهل کجاست؟

- موش صحرایی اهل کجا بود؟
- چرا موش صحرایی می‌گفت که اهل همه‌جا و هیچ‌جا است؟
- چه شد که نظر خوک و دیگران درباره‌ی موش صحرایی عوض شد؟
- چرا موش صحرایی دوباره به سفر رفت؟
- چرا قورباغه و دوستان‌اش دل‌شان برای او تنگ می‌شد؟
- به نظر شما آیا موش صحرایی غریبه بود؟ چرا؟



با کودکان درباره‌ی سفر و ماجراجویی گفت‌وگو کنید:

- چرا موش صحرایی سفرهای زیادی کرده بود؟
 - آیا آن‌ها هم دوست دارند مانند موش صحرایی ماجراجویی کنند و به سفرهای دور و دراز بروند؟
 - اگر برای مدت طولانی به سفر بروند آیا دل‌شان برای خانه تنگ نمی‌شود؟
- از آن‌ها بپرسید:

- آیا تا به حال سفر رفته‌اند؟
 - آیا دوست دارند به سفر بروند یا ماجراجویی کنند؟
 - در سفر چه چیزهای خوب یا چه سختی‌هایی وجود دارد؟
 - آیا پدر و مادر یا اجداد آن‌ها از شهر، روستا، منطقه یا سرزمین دیگری به محل زندگی فعلی آن‌ها کوچ کرده‌اند؟ دلایل‌شان چه بوده؟
- به آن‌ها اجازه دهید تجربه‌ها و دیدگاه‌های خود را با کلاس در میان بگذارند.

سفر و سفرنامه - سفر خیالی

هدف: ایجاد کنجکاوی، تشویق کودکان به تخیل و نوشتن، تقویت درک جغرافیایی کودکان

- از کودکان بخواهید اگر به سفر می‌روند، حتی اگر سفر کوتاه باشد، سفرنامه‌ی خود را بنویسند و در کلاس بخوانند. یا اگر هنوز سواد نوشتن ندارند، داستان و ماجرای سفر خود را در کلاس تعریف کنند.
- از کودکان بخواهید تصور کنند مسیر خانه تا مدرسه یک سفر کوتاه است و بر اساس آن سفرنامه‌ای بنویسند و چیزهایی را که در مسیر می‌بینند، یا اتفاق‌هایی را که در راه افتاده است، توصیف کنند.
- از کودکان بخواهید در ذهن‌شان به سفری خیالی بروند، به هر کجا که دوست دارند؛ می‌توانند به سرزمینی واقعی یا دنیایی خیالی بروند. سپس ماجرای این سفر خیالی را بنویسند یا برای دوستان‌شان در کلاس تعریف کنند.



ساخت کتاب کوچک داستان قورباغه و غریبه

هدف: آشنایی با بخش‌های یک کتاب و کتاب‌سازی، توالی رویدادهای داستان، تقویت مهارت‌های دست‌ورزی

در پیوست این دستنامه نوار باریکی از تصاویر مربوط به این کتاب آمده است. به کودکان کمک کنید تا این تصاویر را از محل مشخص شده با علامت قیچی ببرند، و از محل خط‌چین‌ها تا بزنند. سپس آن‌ها را طوری روی هم بچینند که تصاویر داستان بر اساس توالی رویدادهای آن مرتب شوند. سپس آن را همانند یک کتاب از داخل منگنه کنید یا بدوزید تا کتاب کوچک داستان ساخته شود.



۲



۱



۴



۳

فرهنگ‌های گوناگون ایران و جهان

هدف: آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون، درک تفاوت فرهنگی

می‌توانید با کمک کودکان درباره‌ی قومیت‌ها، نژادها و فرهنگ‌های گوناگون ایران و جهان تحقیق کنید. تصاویری از فرهنگ‌های گوناگون، لباس، محل زندگی، آداب و رسوم و غذاهای بومی آن‌ها تهیه کنید و با خود به کلاس بیاورید و درباره‌ی آن‌ها با کودکان گفت‌وگو کنید. می‌توانید ماسک و لباس فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف را به شکل ساده با کمک کودکان بسازید.

حق مهاجرت، حق پناهندگی

هدف: آشنایی با حقوق کودک، درک مفهوم پناهندگی و مهاجرت، ایجاد احساس هم‌دلی با پناهنجویان

برای آشنایی با چند فعالیت در پیوند با حقوق کودک و حقوق کودکان پناهنده و آواره، می‌توانید از کتاب زیر استفاده کنید:

«حقوق کودک را بشناسیم و با آن زندگی کنیم»، نوشته‌ی دوبراوکا مالس، ایوانکا استریشویس و دیگران، ترجمه‌ی زهره قایینی و ویدا محمدی، انتشارات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، صفحه‌های ۲۷۲ تا ۲۸۶

قورباغه دوست پیدا می‌کند

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت هاوس

مترجم: هورزاد عطاری

خلاصه‌ی داستان: قورباغه خرس عروسی کوچکی را پیدا می‌کند و می‌خواهد با او دوست شود. خرگوش صحرایی به او می‌گوید که این فقط یک عروسک است و نمی‌تواند حرف بزند یا دوست جدید او باشد. اما قورباغه ناامید نمی‌شود، او را با خود به خانه می‌برد، به او غذا می‌دهد و به او حرف زدن یاد می‌دهد. سرانجام خرس کوچولو سخن گفتن آغاز می‌کند! قورباغه و دیگر جانوران از دوستی با او خوشحال هستند. اما روزی فرا می‌رسد که خرس کوچولو تصمیم می‌گیرد به جایی برگردد که از آن‌جا آمده است. جانوران با اندوه او را بدرقه می‌کنند. از آن پس قورباغه مدام اشک می‌ریزد، او دل‌شکسته و برای خرس کوچولو بسیار دل‌تنگ است. تا آن‌که یک شب خرس کوچولو دوباره نزد او بازمی‌گردد و به قورباغه می‌گوید که او عزیزترین دوست‌اش است و از همین رو احساس می‌کند که اهل همین‌جاست.

توضیحات بیشتر: این داستان درباره‌ی دوستی، ساختن آن، ترک شدن و دل‌تنگی برای دوست است. قورباغه برخلاف دیگر جانوران باور دارد که می‌تواند با خرس کوچک عروسی دوست شود و سرانجام موفق می‌شود. خرس شروع به سخن گفتن، بازی کردن، غذا خوردن می‌کند و به بهترین دوست قورباغه بدل می‌شود، ناممکنی که با معجزه‌ی دوستی ممکن می‌شود. هنگامی که خرس کوچولو تصمیم می‌گیرد برای یافتن پاسخ پرسش‌های‌اش آن‌ها را ترک کند و به جایی بازگردد که از آن‌جا آمده است، قورباغه با وجود اندوه زیاد مانع او نمی‌شود. چرا که دوستی در رها بودن است. اما خرس کوچولو سرانجام بازمی‌گردد چرا که خانه‌ی واقعی‌اش جایی است که دوستان‌مان، عزیزترین‌مان، آن‌جا هستند، جایی که قلب ما به آن تعلق دارد.



گفت‌وگوی پیش از بلندخوانی

از کودکان بپرسید:

- آیا تا به حال شده بخواهید با کسی دوست شوید؟
- آیا شده کسی را ببینید و فکر کنید که او می‌تواند دوست خوبی برای شما باشد؟
- برای دوست شدن با او چه کار کردید؟
- آیا تا به حال شده دوست‌تان، یا کسی که خیلی دوست‌اش دارید از مدرسه یا محله یا شهر و روستای شما به جای دیگری برود؟ چه حسی داشتید؟ دل‌تان برای او تنگ می‌شود؟ برای برطرف شدن دل‌تنگی چه کردید؟

گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

از کودکان موارد زیر را بپرسید و اجازه دهید آزادانه دیدگاه‌های خود را مطرح و با هم درباره‌ی آن‌ها بحث و گفت‌وگو کنند.

- به نظر شما چرا وقتی قورباغه خرس کوچولو را پیدا کرد فکر کرد که می‌تواند با او دوست شود؟
- خرس کوچولو و قورباغه چه کارهایی با هم انجام می‌دادند؟
- آیا جانوران دیگر هم خرس کوچولو را دوست داشتند؟ خرس کوچولو چطور؟ آیا آن‌ها را دوست داشت؟
- به نظر شما چرا خرس کوچولو تصمیم گرفت آن‌ها را ترک کند؟ او به کجا رفت؟
- چرا قورباغه جلوی او را نگرفت که نرود؟ مگر او را دوست نداشت؟
- قورباغه چه حسی از رفتن خرس کوچولو داشت؟
- چرا خرس کوچولو برگشت؟
- اگر خرس کوچولو برنمی‌گشت قورباغه باید چه می‌کرد؟



ارتباط تصویر و نوشته

هدف: درک رابطه‌ی متن و تصویر، شناخت انواع کنش‌ها، تصویرخوانی و تقویت سواد بصری

در پیوست این دستنامه دو نوار کاغذی آمده است. روی یک طرف نوارها تصویر و پشت آن عبارتی نوشته شده است. این کارت‌ها را با قیچی جدا کنید و از کودکان بخواهید هر نوشته را با تصویر آن مرتبط کنند و کنار هم قرار دهند. این کار به درک کنش‌ها، مفاهیم و تصویرخوانی در کودکان کمک می‌کند. روی نوارها دایره‌های مشکی و سفید است. تصاویر با نقطه‌ی سفید، به نوشته‌های دارای نقطه‌ی سفید مربوط است و تصاویر با نقطه‌ی مشکی به نوشته‌های دارای نقطه‌ی مشکی. به این ترتیب دو سری ۹ تایی کارت وجود دارد که می‌توان دو بار این بازی را با آن‌ها انجام داد.

غذا دادن



توپ
بازی



غذا خوردن



نمایشگاه نقاشی من و دوستان

از کودکان بخواهید نقاشی خودشان و دوستانشان را بکشند. یا می‌توانند خاطره‌ی روزی را نقاشی کنند که به آن‌ها و دوستانشان خیلی خوش گذشته است. نمایشگاه کوچکی از نقاشی‌های آن‌ها ترتیب دهید. در این نمایشگاه هر کس می‌تواند درباره‌ی نقاشی خودش به دیگران توضیح دهد.

نامه به دوست

از کودکان بخواهید اگر دوست‌شان به جای دیگری رفته یا دل‌شان برای دوستی تنگ شده به او نامه بنویسند و احساس خود را به او بیان کنند. اگر کودکان هنوز سواد نوشتن ندارند می‌توانید از آن‌ها بخواهید برای دوست‌شان نقاشی بکشند. از کودکان بخواهید اگر آدرس دوست‌شان را دارند نامه یا نقاشی را برای دوست‌شان پست کنند. اگر هم آدرس دوست‌شان را ندارند، نامه یا نقاشی را در پاکتی بگذارند و در دفتر خاطرات خود یا در جای دیگری برای خود به عنوان یادگاری نگه دارند.



قورباغه و گنج

نویسنده و تصویرگر: ماکس فلت هاوس

مترجم: سارا یوسف پور

خلاصه داستان: یک روز قورباغه خرس کوچولو را با خود به جست و جوی گنج می برد. قورباغه به خرس کوچولو قول می دهد که بدون شک گنج را خواهند یافت. آن ها با تلاش و پشت کار زیاد گودال بسیار عمیقی می کنند، اما با بی احتیاطی درون آن گرفتار می شوند و نمی توانند از آن بیرون بیایند. آن ها یک شب را گرسنه و ترسیده درون گودال سپری می کنند اما سعی می کنند شجاع و امیدوار باشند. تا آن که سرانجام، صبح روز بعد دوستان شان آن ها را پیدا می کنند و نجات می دهند. با این حال قورباغه سخت ناامید شده است چون برخلاف قولی که به خرس کوچولو داده بود گنج را پیدا نکرده اند. در این هنگام موش صحرایی سنگی را از روی زمین برمی دارد، با آستین اش برق می اندازد و به قورباغه می دهد و به او می گوید که آن ها گنج را پیدا کرده اند. قورباغه با خوشحالی و غرور تصمیم می گیرد گنج را به خرس کوچولو بدهد.

توضیحات پیش تر: قورباغه مصمم و امیدوار است که گنج را پیدا می کنند و در این راه تلاش زیادی به خرج می دهد. اما آن ها درون گودالی که خودشان برای یافتن گنج کنده اند، گرفتار می شوند. درون گودال، قورباغه و خرس کوچولو به چیزهای مهم و دوست داشتنی زندگی شان فکر می کنند و دل شان برای دوستان شان، خانه و تخت خواب گرم و نرم شان و دیگر گنج های پنهان زندگی شان، تنگ می شود. با این وجود قورباغه پس از نجات هم چنان احساس سرخوردگی و ناامیدی می کند. چون فکر می کند که کار بی فایده و بی نتیجه ای انجام داده است. اما موش صحرایی دانا، به او نشان می دهد که گنج را می توان در چیزها و جاهایی یافت که انتظارش را نداریم. کودکان در این داستان همراه با قورباغه و خرس کوچولو در مسیر یافتن گنج، با سختی، ناامیدی و ترس روبه رو می شوند و درمی یابند که یافتن گنج واقعی، هیجان انگیز و درعین حال مخاطره آمیز است. در راه یافتن گنج، آن ها گنج های پنهان زیادی را کشف می کنند که مهم ترین آن ها دوستی است. در پایان داستان قورباغه یکی دیگر از گنج های درونی وجودش را به ما نشان می دهد و آن گذشت و بخشش است. قورباغه می خواهد به قولی که به دوست اش داده عمل کند، بنابراین

سنگ را به او می‌دهد، سنگی ساده، اما درخشان، که نمادی از همه‌ی گنج‌ها و ارزش‌های زندگی است.

گفت‌وگوی پیش از بلندخوانی - گنج چیست؟

از کودکان بپرسید که آیا می‌دانند گنج چیست؟ اجازه دهید دیدگاه‌های خود را آزادانه بیان کنند. نظر آن‌ها را تایید یا رد نکنید. از آن‌ها بپرسید که آیا می‌دانند چطور باید گنج پیدا کنند؟ سپس از آن‌ها بپرسید آیا چیز باارزشی دارند که خیلی دوست‌اش داشته باشند؟ خیلی برای‌شان مهم باشد؟ یا چیز باارزشی هست که دوست داشته باشند آن را داشته باشند یا به دست بیاورند؟

می‌توانید از تجربه‌های خودتان مثال بزنید. در مثال‌های خود هم به چیزهای مادی و هم به چیزهای غیرمادی اشاره کنید. برای نمونه می‌توانید بگویید: «من این دستبندم را خیلی دوست دارم، خیلی باارزش است.» یا «من یک گلدان گل بنفشه در خانه دارم که خیلی برای‌ام مهم است. خیلی دوست‌اش دارم. برای‌ام مانند گنج است.» یا «دخترم خیلی برای‌ام باارزش است... گنج زندگی من است.» اما از گفتن جمله‌های کلیشه‌ای مستقیم و کلی مانند «علم و دانش گنج است» خودداری کنید!

گفت‌وگوی پس از بلندخوانی

- با کودکان درباره‌ی موارد زیر گفت‌وگو کنید:
- چرا قورباغه آن روز صبح تصمیم گرفت به جست‌وجوی گنج بروند؟
 - قورباغه از کجا می‌دانست گنج کجاست؟
 - قورباغه به خرس کوچولو چه قولی داد؟
 - وقتی قورباغه و خرس کوچولو درون گودال عمیق گرفتار شدند به چه چیزهایی فکر می‌کردند؟ دل‌شان برای چه چیزهای تنگ شده بود؟
 - قورباغه و خرس کوچولو برای این‌که در گودال نترسند چه کارهایی انجام دادند؟
 - قورباغه و خرس کوچولو چطور نجات پیدا کردند؟
 - چرا پس از بیرون آمدن از گودال قورباغه ناراحت و ناامید بود؟
 - به نظر شما آیا آن‌ها گنج را پیدا کرده بودند؟
 - آیا به نظر شما آن سنگ واقعا گنج بود؟
 - چرا قورباغه گنج را به خرس کوچولو داد؟



گفت‌وگو درباره‌ی قول

از کودکان بپرسید:

- قول دادن یعنی چه؟
- آیا تا به حال به کسی قول داده‌اید؟ آیا تا به حال به خودتان قولی داده‌اید؟ آیا تا به حال کسی به شما قولی داده است؟
- چه مواقعی و درباره‌ی چه موضوعاتی می‌توانیم به کسی قول بدهیم؟
- آیا شده به کسی قولی بدهید و نتوانید به قول‌تان عمل کنید؟ چه حسی داشتید؟
- آیا شده کسی به شما قولی بدهد و به قول‌اش عمل نکند؟ چه حسی داشتید؟
- چرا گاهی آدم‌ها نمی‌توانند به قول‌شان عمل کنند؟
- قورباغه چه قولی به خرس کوچولو داد؟
- قورباغه برای این‌که به قول‌اش عمل کند چه کارهایی انجام داد؟ آیا همه‌ی تلاش‌اش را کرد؟
- آیا شما وقتی قولی به کسی می‌دهید، همه‌ی تلاش‌تان را برای عمل کردن به آن قول می‌کنید؟ آیا برای‌تان مهم است که به قول‌تان عمل کنید یا زیاد مهم نیست؟
- اگر همه‌ی تلاش‌مان را کردیم اما نتوانستیم به قولی که به کسی داده‌ایم، عمل کنیم، چه باید بکنیم؟

جست‌وجوی گنج!

هدف: تحرک و هیجان، رشد ذهنی و جسمی، تقویت حس کنجکاوی، تقویت مهارت نقشه‌خوانی، تخیل، تجسم و حل مساله

شما هم می‌توانید به همراه کودکان به جست‌وجوی گنج بروید! برای این کار لازم است از قبل گنج را در جایی در کلاس، مدرسه، خانه یا حیاط و... مخفی کنید. این گنج می‌تواند مجموعه‌ای از وسایل مورد علاقه‌ی کودکان باشد که در جعبه‌ای قرار داده‌اید. برای نمونه می‌توانید به تعداد کودکان تیله‌های شیشه‌ای تهیه کنید و در ظرف شیشه‌ای یا جعبه‌ای قرار دهید. یا جعبه‌ی گنج شما می‌تواند حاوی چند کتاب جدید برای کتابخانه‌ی کلاس باشد. گنج را در نقطه‌ای مخفی کنید.

سپس با کمک مازیک و خط‌کش نقشه‌ی کلاس یا مدرسه، یا هر محلی را که قرار است در آن به دنبال گنج بگردید، روی کاغذ بکشید. می‌توانید از یک کاغذ کاهی مچاله شده با لبه‌های سوخته استفاده کنید تا حس نقشه‌ای قدیمی و باستانی را

داشته باشد. سعی کنید نقشه شامل درها، اتاق‌ها، درختان و جزئیات لازم باشد. پیچیدگی نقشه گنج باید متناسب با سن کودکان باشد. می‌توانید در نقاط مختلف کلیدها یا معماهایی را جاگذاری و پنهان کنید تا کودکان با دنبال کردن نقشه، پیدا کردن و حل آن‌ها، قدم به قدم به محل گنج نزدیک‌تر شوند. به کودکان کمک کنید تا نشانه‌ها را دنبال کنند و گنج را بیابند.

توالی رویدادهای داستان

هدف: شناخت غیرمستقیم مفهوم پیرنگ، درک مفهوم توالی رویدادهای یک داستان، تقویت حافظه

نوار پیوست مربوط به این کتاب را برداشته و کارت‌ها را ببرید. کارت‌ها را در اختیار کودکان قرار دهید و از آن‌ها بخواهید که آن‌ها را به ترتیب رویدادهایی که در داستان اتفاق می‌افتد مرتب کنند. سپس از آن‌ها بخواهید بر اساس این کارت‌ها بار دیگر داستان را بازگو کنند.

یادگاری‌های بارزش من

از کودکان بپرسید آیا جایی برای یادگاری‌های بارزش‌شان دارند؟ می‌توانید از خودتان مثال بزنید. بگویید: «من اولین لباس نوزادی پسرم را در چمدان کوچکی به عنوان یادگاری نگه داشته‌ام. همین‌طور روسری قدیمی مادر بزرگ‌ام را...» یا «چند تا از نقاشی‌های شاگردان قدیمی‌ام را به عنوان یادگاری در آلبوم نگه داشته‌ام.» و... از آن‌ها بپرسید:

- آیا شما هم در خانه یادگاری‌هایی دارید؟ برای نمونه آیا آلبوم عکس قدیمی دارید؟ آیا صندوقی قدیمی دارید؟ در صندوق چه چیزهایی هست؟
- آیا دوست دارید چیزهایی را به عنوان یادگاری داشته باشید؟
- به نظر شما چرا ما دوست داریم چیزهایی را به عنوان یادگاری نگه داریم؟
- آیا یادگاری‌ها می‌توانند گنج باشند؟

به کودکان پیشنهاد دهید که آن‌ها هم یادگاری‌های خودشان را داشته باشند. برای نمونه نقاشی دوست‌شان، سنجاق سری که هدیه گرفته‌اند، دفتر مشق کلاس اول یا هر چیز دیگری که آن‌ها را به یاد روزهای خوب می‌اندازد. به آن‌ها بگویید که ما می‌توانیم در آینده، در روزهایی که دل‌مان می‌گیرد، به سراغ این یادگاری‌ها برویم، تماشای‌شان کنیم و آرام و خوشحال شویم.



آشنایی با مفهوم مجموعه، مجموعه‌داری

هدف: افزایش دقت و تمرکز و توجه در کودکان، درک غیرمستقیم مفهوم مجموعه

از کودکان بپرسید آیا آن‌ها به جمع کردن چیزهای خاص و تهیه‌ی مجموعه (کلکسیون) علاقه دارند؟ برای‌شان توضیح دهید که بعضی از مردم چیزهایی را به شکل مجموعه نگه‌داری می‌کنند. می‌توانید برای‌شان مجموعه‌ی تمبر، سکه یا آلبوم عکس را مثال بزنید. اگر یکی از کودکان کلاس کلکسیونی دارد از او بخواهید که در صورت تمایل آن را به کلاس بیاورد و به دوستان‌اش نشان دهد. به کودکان توضیح دهید که لازم نیست مجموعه‌ها حتماً از چیزهای گران‌قیمت تهیه شده باشند. شما می‌توانید با کودکان به جمع‌آوری انواع برگ‌ها و گل‌ها یا سنگ‌ها بپردازید و درباره‌ی ویژگی‌های هر کدام و شکل ظاهری آن‌ها با کودکان سخن بگویید. این کار علاوه بر شناخت و ایجاد نزدیکی و دوستی با طبیعت، به درک بهتر کودکان از شکل‌ها نیز یاری می‌رساند.

- از کودکان بخواهید در مسیر مدرسه، در حیاط خانه یا در پارک‌ها به برگ‌های گیاهان و درختان خوب توجه کنند. کودکان می‌توانند برگ‌های زیبا و متنوع را جمع‌آوری کنند و با گذاشتن برگ‌ها میان صفحه‌های یک روزنامه و قرار دادن آن در یک کتاب حجیم، این برگ‌ها را خشک کنند. خشک کردن برگ به این شیوه حدود یک هفته تا ۱۰ روز طول می‌کشد. پس از خشک شدن برگ، به کمک کودکان آن را در دفتری بچسبانید و اگر نام گیاه و محل جمع‌آوری آن را می‌دانید، آن را هم ثبت کنید. با این کار به تدریج آلبومی از انواع برگ‌ها خواهید داشت که از تنوع آن لذت خواهید برد.

- کودکان را تشویق کنید به سنگ‌های اطراف‌شان دقت کنند. اگر سنگ‌های کوچک زیبایی می‌بینند آن‌ها را جمع‌آوری و پس از شستن و تمیز کردن در جعبه یا شیشه‌ی کوچکی نگه‌داری کنند. به این ترتیب پس از مدتی جعبه‌ی گنج کوچکی خواهند داشت که هر یک از سنگ‌های‌اش منحصر به فرد است.

به کودکان توضیح دهید که کار تهیه‌ی یک مجموعه به تدریج و گاه در طول سال‌ها انجام می‌شود و نه به یک‌باره.

اگر امکان‌اش را دارید با کودکان از موزه‌های شهرتان بازدید کنید.



منابع

- روان‌شناسی رشد، نوجوانی تا پایان عمر، جلد دوم، لورا برک، ترجمه یحیی سیدمحمدی
- مرگ یک دایناسور، لوری کرزی و مارک براون؛ ترجمه هایدی کروب، از مجموعه مهارت‌های زندگی نشر نردبان، انتشارات فنی ایران
- حقوق کودک را بشناسیم و با آن زندگی کنیم، نوشته‌ی دوبراوکا مالس، ایوانکا استریشویس و دیگران، ترجمه‌ی زهره قایینی و ویدا محمدی، انتشارات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان
- <https://www.theguardian.com/books/2004/dec/11/featuresreviews.guardianreview28>
- <http://www.ibby.org/subnavigation/archives/hans-christian-andersen-awards/2004/?L=0>
- <http://www.ibby.org/about/speeches/speeches/velthuijs-acceptance-2004/?L=0>
- <http://www.ibby.org/about/speeches/speeches/laudation-by-jef-frey-garret/?L=0>

